

مقایسه نمایش و حضور آب در باغ‌های ایران و هند

- آرزو شیردست
- عطیه فراهانی فرد

کارشناس ارشد معماری منظر a.shirdast@yahoo.com
کارشناس ارشد معماری منظر a.farahani.fard.@gmail.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی "تأثیر متقابل هنر ایران و هند" و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۱ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

باغ ایرانی در تاریخ هنر باغسازی جهان با سبک و هویت خاص خود شناخته می‌شود که در برابر هجوم‌های سیاسی پایدار مانده و تبدیل به سنت شده است. این در حالی است که باغسازی در هند به میزان زیادی از سنت باغسازی ایرانی متأثر شده، اما به علت تأثیرات پس‌زمینه‌های مغولی، بستر و اقلیم هند تفاوت‌هایی با نمونه ایرانی داشته و هویتی هندی یافته است. در این میان اهمیت بررسی جایگاه آب به عنوان مطبوع‌ترین خصوصیت مشترک باغ ایرانی، جهت شناخت شیوه باغسازی هندی انکارناپذیر است. این مقاله بر آن است اثبات کند مفهوم آب در باغ ایرانی با ورود به هند و تأثیرپذیری از عوامل متعدد، تغییر یافته است؛ به گونه‌ای که برخلاف باغ‌های ایرانی که عنصر آب به منظور فضا سازی و منظره‌پردازی بوده و نمادی از پاکی، پویایی و حرکت است (عنصر نمادین)، در باغ‌های هندی از آب بیشتر به عنوان عنصری برای تزئین فضا استفاده شده است (عنصر تزئینی). با بررسی‌های صورت گرفته مشخص می‌شود حضور آب در باغ‌های هندی، حضوری ظریف در جوی‌هایی با تزئینات بسیار زیاد است که موجب می‌شود بستر حضور آب حتی از خود آب هم مهم‌تر جلوه کند.

واژگان کلیدی

نمایش آب، باغ ایرانی، باغ هندی، عنصر نمادین، عنصر تزئینی.

مقدمه

باغ و باغسازی برخلاف معماری، زاینده نیازهای نخستین بشری نیست؛ چنانکه دنیای آرمانی و تخیل‌های دست‌نیافته‌اش را به واسطه علاقه همیشگی به محیط‌های طبیعی، در باغسازی می‌جوید؛ لذا باغ، آینه‌ای تمام‌نما برای فرهنگ هر سرزمین می‌شود. وجود تفاوت در اندیشه و فرهنگ موجب به وجود آمدن الگوهای متفاوت برای یک فضا می‌شود؛ بدین ترتیب باغ، محملی مناسب برای شناخت خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگ هر ملتی است.

آب با قابلیت‌های مختلف خود مانند حیات، درخشندگی، پاکیزگی، روشنایی، سکون و تحرک موجب بروز احساسات متفاوتی در روح انسان می‌شود. همچنین با حضور خود به شکل‌های مختلفی چون نهرها، حوض‌ها و فواره‌ها ضمن انبساط خاطر، نیازهای عملکردی متفاوتی را نیز پاسخگو بوده است. به همین دلیل همواره در مکان‌هایی که ساخت دست بشر هستند - به ویژه در رابطه با فضاهایی چون باغ - به صورت‌های مختلف نمود پیدا کرده است. باغ ایرانی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های تجربه باغسازی و منظرپردازی در جهان، نگاه خاص و نمادین به آب دارد؛ تا آنجا که باغ ایرانی بدون در نظر گرفتن نقش آب، معنایی ندارد، لذا بررسی مفهوم آب در این نوع باغ و مقایسه آن با باغسازی ایرانی هند، می‌تواند برای شناخت حاصله از این شیوه در زمینه فرهنگی هند و تحولات صورت گرفته مؤثر باشد.

پژوهش حاضر تلاشی جهت بررسی تفاوت‌های موجود از نحوه حضور آب در باغ‌های ایران و هند است. بدین منظور با بررسی عنصر آب در باغ ایرانی و نیز باغ‌های ایرانی هند به کمک تحلیل نمونه‌های انتخابی، تفاوت‌های موجود در نحوه حضور و نمایش آب در آنها، هم به لحاظ شکلی و هم به لحاظ مفهومی بیان می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

- مفهوم آب در باغ‌های ایرانی بعد از ورود به هند چه تغییری یافته است؟
- این تغییرات احتمالی در چه جوهی از این باغ نهفته است؟
- تأثیر زمینه در نحوه حضور و نمایش آب در باغ‌های هند تا چه حد و به چه صورتی بوده است؟

فرضیه

مفهوم آب در باغ ایرانی با ورود به سرزمین هندوستان و تأثیرپذیری از عوامل متعدد، تغییر یافته است؛ به گونه‌ای که برخلاف باغ‌های ایرانی که عنصر آب با وجه سمبلیک و نمادین در فضا سازی و منظرپردازی استفاده شده و نمادی از پاکی، پویایی و حرکت است، در باغ‌های هندی از آب بیشتر به عنوان عنصری برای تزئین فضا استفاده شده است.

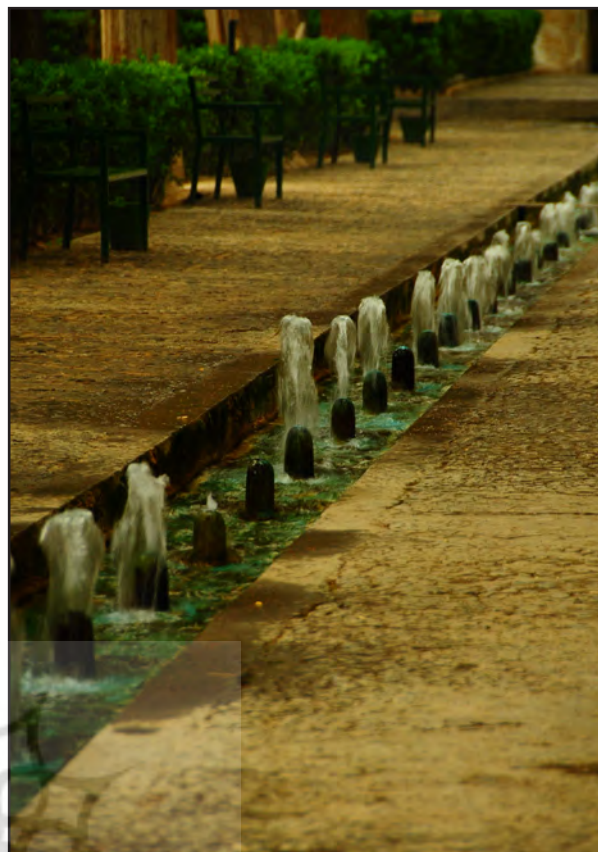
نقش و مفهوم آب در باغ ایرانی

تصور باغ ایرانی به مثابه یک کل بدون نقش آفرینی آب، ناممکن است. هرگاه مقدار بیشتری از آب در دسترس بوده، نقش پررنگ‌تری از آن را در ساخت منظرین باغ می‌توان دید. چنانچه دسترسی به منابع آب زیاد باشد، کوشک و نظرگاه اصلی باغ به میان آن نقل مکان می‌کند (منصوری، ۱۳۸۴). نحوه ظهور و حضور آب در باغ براساس مفاهیم خاصی صورت می‌پذیرد و توزیع آن نیز پیرو نظم و قاعده‌ای است که از یک سو به ویژگی‌های فیزیکی آب و آبیاری توجه دارد و از سوی دیگر زیبایی‌شناسی و منظرسازی را مورد توجه قرار می‌دهد. در باغ ایرانی، معماری باغ، معماری آب است و علاقه وافر ایرانیان در به کارگیری آب در باغ باعث شده آنها آب را به شیوه‌های گوناگون در باغ به حرکت درآورده و بر زیبایی و لطافت آن بیافزایند؛ به طوری که همواره با حرکت خود در چهارباغ‌ها، جویبارها و جوی‌های کم‌شیب و مارپیچ، منظره و هوای باغ را دلپذیر کرده و به آن حیات بخشیده است. از این رو حضور آب در باغ ایرانی در دو گروه ویژگی‌های "شکلی - کالبدی" و ویژگی‌های "معنایی - نمادین" قابل بررسی است:

۱. ویژگی‌های شکلی - کالبدی: یکی از مشخصه‌های مهم باغ ایرانی تمایل زیاد به نمایش آب است؛ از این رو باغساز ایرانی بازی‌های غریبی با آن را به نمایش می‌گذارد و تلاش بر این است آب هرچه بیشتر خودنمایی داشته باشد و صدا و منظر فرح‌بخش خود را به تظاهر بگذارد (حیدرنتاج، ۱۳۸۹: ۶۱). چنانکه در باغ دولت‌آباد، آب به تمامی به نمایش گذاشته می‌شود؛ معمار با بازی وصف‌ناپذیری، بارها آب را به درون زمین برده و بیرون آورده است، به طوری که آب در تمام سطح باغ حضور دارد. در واقع باغساز تنها به عبور آب از لایه‌های زیرین زمین و سیراب کردن درختان قناعت نمی‌کند، بلکه آب گوارا را به روی زمین می‌آورد و به نمایش می‌گذارد (جواهریان و شاهچراغی، ۱۳۸۳).

در باغ ایرانی، نظام آبیاری همچون نظام کاشت منطبق بر هندسه باغ بوده و به گونه‌ای طراحی می‌شده که آب پس از ورود به باغ و آبیاری کلیه کرت‌ها و گیاهان از باغ خارج می‌شود تا به مصرف آبیاری دیگر مزارع و درختان برسد. معمولاً در وسط خیابان محور اصلی و چند خیابان عمده دیگر، جوی‌هایی وجود دارند که ضمن رساندن آب به قسمت‌های مختلف باغ، با داشتن عرض بیشتر، حالت آب‌نما نیز دارند. این جوی‌ها در بیشتر موارد در فاصله‌های معین به خصوص در محل تقاطع محورهای عمود برهم به صورت حوضچه در می‌آیند. مثلاً در باغ فین کاشان شاهد خیابان باصفایی هستیم که در وسط آن نهر آب زیبایی قرار داشته و همیشه آب از فواره‌های فیروزه‌ای آن در فوران است (تصویر ۱). حوض و استخر در باغ‌های ایران دارای اهمیت زیادی است و به اندازه‌ها و شکل‌های مختلف دیده می‌شود. غالباً حوض یا استخر را در یکی از محورهای اصلی باغ احداث می‌کنند. طراح

هنرمند ایرانی، توانایی خود را نسبت به استفاده از آب به عنوان عنصر حیات بخش شفاف و خنک کننده، در آب نماها، جوی ها و حوضچه ها مورد تأکید قرار داده است (حیدرنتاج، ۱۳۸۹: ۶۲).
 ظهور آب در باغ های ایرانی همواره به شکل آب جاری بوده و به منظور بیشتر جلوه بخشیدن به فضای باغ به ایجاد فواره در استخرها، حوض ها، حوضچه ها و آب نماها توجه شده است. صدای فواره های گوناگون باغ های ایرانی ضمن طرح حجم آنها که فضای باغ را شکل می دهند، شنیدنی است. به ویژه آنکه در هر حرکت آب در جوی ها، فواره ها و آبشارها زمزمه خاصی از صدای آن به گوش انسان می رسد. نمونه بسیار خوب در این مورد باغ فین کاشان است که در هر گوشه و گذر این باغ، آب با صدایی خاص به گوش می رسد. هریک از این صداها به نوعی انسان را آرام و سرگرم می کنند (همان). همچنین از جمله ویژگی های باغ های احداثی در زمین های شیب دار، آبشارهای کوچک است. ذوق طراح ایرانی در بیشتر باغ ها بر این بوده که با استفاده از شیب و اختلاف سطح در مسیر جوی ها، آبشارهای کوچکی پدید آورد. به کاربردن سینه کبکی ها در سطوح شیب دار به دلیل کمی آب است که در اثر حرکت آب بر روی آن موج ایجاد شده و آب بسیار پر حجم به نظر می رسد و صدای زیادی نیز ایجاد می کند (همان: ۶۵). باغ شاهزاده ماهان یکی از زیباترین نمونه ها در استفاده از شیب زمین برای ایجاد آبشارهاست (تصویر ۲).



تصویر ۱. اغای حس شنوایی، فوران آب از فواره های باغ فین، کاشان. عکس: محمدحسین عسکرزاده، ۱۳۸۸.

تصویر ۲. تکرار آبشارها براساس شیب طبیعی زمین و حضور پررنگ آب در محور اصلی باغ شاهزاده ماهان، کرمان. عکس: سیدامیر منصوری، ۱۳۹۲.





تصویر ۳. حضور پررنگ آب در محور اصلی باغ دولت‌آباد، یزد. مأخذ : www.makanbin.com.

۲. ویژگی‌های معنایی- نمادین : آب نقش مهمی در ایجاد خنکی، انعکاس نور و اصوات دلپذیر دارد. آب در خشک‌بوم ایران، عزیز و کمیاب است و نظر کردن بر آن به ویژه در سپیده‌دم و اول ماه، باشکوه است. ایرانیان آب را با مشقت و مرارت به دست می‌آوردند و با صرفه‌جویی به کار برده و در باغ‌ها با هنرمندی‌های ماهرانه بیشتر از آنچه هست می‌نمایند (همان : ۶۰). به مدد این هنرمندی است که زیبایی، دل‌انگیزی، طراوت و لطافت باغ بیشتر جلوه‌گر می‌شود.

اگرچه وجود آب در سرزمین خشک ایران موجب افزایش درجه رطوبت هوا شده و بسیار مطبوع خواهد بود، اما آنچه ایرانیان را به استفاده از آب در باغ‌ها واداشت، چیزی فراتر از نیاز به آبیاری یا رطوبت بود. از دیرباز آب نزد آنان منزلتی والا داشت؛ چراکه در ایران باستان، پیام‌آور روشنایی و پاکی به شمار می‌رفت. جاری شدن آب از جای‌جای باغ و حرکت آن در چهار جهت و چهارجوی، تمثیلی از چهار نهر بهشتی است که در باغ ایرانی به کار گرفته شده است (انصاری و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۶). درواقع وجود آب و حرکت آن در باغ، اصیل‌ترین و مطبوع‌ترین خصوصیت مشترک باغ ایرانی است (حیدرنتاج، ۱۳۸۹ : ۶۰). بنابراین در باغ‌های ایرانی همواره شاهد حضور پررنگ آب در محور اصلی آن هستیم. به عنوان نمونه در باغ دولت‌آباد، قسمتی که همچون خیابان، رسمی‌ترین بخش از محور اصلی باغ را تشکیل داده، به دلیل بلندی، بر دیگر بخش‌های خیابان مسلط است و با داشتن جوی در میان خود به استخر باغ و کوشک اصلی متصل می‌شود. این محور در طول مسیر خود با رسیدن به کوشک و خلوت باغ، چهره و مقیاسی جدید را ارایه می‌دهد



تصویر ۴. تناسب ابعاد آب‌نما با ارتفاع بادگیر در باغ دولت‌آباد، یزد. مأخذ : www.shabestan.ir.

شکل و مفهوم آب در باغ هندی

«بابر» اولین کسی بود که به منظور آفرینش زیبایی، باغ‌های گورکانی را ساخت. پس از آن، معماری باغ‌ها و کاخ‌های دوره نخستین حکومت گورکانی، به وسیله «شاهجهان» دگرگون یا مرمت و بازسازی شد (کنخ، ۱۳۷۳ : ۱۳۶). گرچه باغ‌های هندی در آغاز امر از طرح چهارباغ ایرانی استفاده کردند اما در عین حال اجازه دادند این طرح‌ها در روندی خلاقانه با سنت‌ها و شرایط محلی ترکیب شده و شکلی بومی به خود گیرند. باغ‌های گورکانی دارای راه‌های عبوری و مسیر اصلی آب همچون الگوی آرمان‌گرایانه چهارباغ بود. به عنوان مثال در مجموعه باغ‌مقبره همایون، آرامگاه در مرکز باغی واقع شده که کاملاً از شکل چهارباغ ایرانی پیروی کرده است. مفهوم و ایده عمومی معماری آرامگاه که ساختمان اصلی آن در محل تقاطع دو خیابان اصلی قرار گرفته است، به صورت هم‌زمان هم با اصول سنتی و قدیمی منطبق بود و هم بدیع و غیرسنتی می‌نمود (همان : ۷۲). استواری و شکوه طراحی محوری برای کاخ‌های بزرگ سلطنتی و برای مجموعه بزرگ آرامگاهی در تاج‌محل نیز مورد استفاده قرار گرفت (همان : ۱۳۶). در این باغ، صفا بلندی که ساختمان اصلی بر روی آن بنا شده، با یک چهارباغ در سطح پایین‌تر ترکیب شده است. در واقع می‌توانیم تاج‌محل را نمادی از فرهنگ و هنر ایرانی نیز به شمار آوریم (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸ : ۱۱). محوطه باغ تاج‌محل، عرصه‌ای کاملاً مشخص و متمایز به شکل مربعی به

ضلع ۳۰۰ متر بوده که از طرح چهارباغ ایرانی پیروی کرده است. این باغ توسط چهار معبر که در وسط هر کدام آنها نهر آبی جاری است به چهار قسمت مربع‌شکل تقسیم شده و این عرصه‌ها نیز به کمک مسیرهای اصلی و فرعی در چهار مرحله به مربع‌های کوچک‌تر، سیستم چهار-چهار، تقسیم شده است. در مرکز چلیپا که به محل تقاطع دو محور اصلی باغ اطلاق می‌شود، یک صحن مرتفع‌تر از سطح خیابان‌ها ساخته شده و در روی آن حوضی مربع شکل با پنج فواره ساخته شده است. در این باغ، فواره‌ها به صورت طولی و تنها در کانال اصلی شمالی-جنوبی قرار گرفته‌اند. چراکه وجود آنها در کانال شرقی-غربی می‌توانست توجه ما را از مقبره منحرف سازد؛ همچنین نهر شمالی-جنوبی عریض‌تر در نظر گرفته شده است تا انعکاس مقبره در آن قابل رؤیت باشد. نکته قابل توجه وجود مسیرهای حرکتی و باغچه‌های نواری در دو سوی نهرهاست که آنها را تبدیل به یک میان‌آب برای تعریف محور عبوری و بصری به سمت عمارت مقبره کرده است.

از خصوصیات اصلی باغ‌های هندی وجود منبع آبی است که آب آن در نهری، جمع می‌شود و این نهر محور اصلی باغ را شکل می‌دهد. در باغ هندی اغلب شاهد حضور آب ساکن و مسطح در محور اصلی باغ هستیم (تصویر ۵). در این طرح عناصری مانند: محوطه‌هایی شیب‌دار برای تراس‌بندی، مرتبه، حوض‌ها، کانال‌ها، جوی، کوشک‌ها و صفاهایی در امتداد منابع و کانال‌های آب وجود دارد. همچنین شاهد حضور جوی‌های ظریف

تصویر ۵. حضور ساکن و مسطح آب در محور اصلی تاج‌محل، آگرا. عکس: آرزو شیردست، ۱۳۹۱.





تصویر کشیده‌شدن جوی‌های ظریف و کم‌حجم آب در تمامی محورهای فرعی، باغ‌مقبره همایون، دهلی. عکس: آرزو شیردست، ۱۳۹۱.

احداث می‌کردند. جریان ملایم آب با ایجاد پلکان در مسیر آن، تند و پرسروصدا می‌شد. در کف آب‌نماها و بیشتر جاهایی که آب در جریان بود، اغلب تخته سنگی با تراش سفید رنگ یا با طرح‌های مختلف کار می‌گذاشتند که به موج آب، جلوه زیبایی دهد. در حالی که کشور هندوستان دارای زمین‌های مسطح بوده و به شدت با کمبود آب‌های جاری مواجه بود. این امر منجر به بروز رویکردهای متفاوتی در رابطه با منظره‌پردازی شده است. به همین دلیل با حفر چاه، امکان احداث باغ را در زمین‌های پست و فاقد آب جاری هندوستان فراهم می‌آوردند (مسعودی، ۱۳۸۴) و در اغلب موارد آب در زمین‌های پست هندوستان به صورت ساکن به کار گرفته شده است (تصاویر ۷ و ۸).

آب در نزد ایرانیان نه تنها برای رفع نیازها مورد استفاده قرار می‌گرفت، بلکه از لحاظ معنوی و روحی نیز تأثیر بسیاری داشته است. اصلی‌ترین عاملی که همواره به باغ‌های ایرانی حیات می‌بخشید، آب جاری بود که در چهارباغ‌ها، جویبارها و جوی‌های کم‌شیب و مارپیچی به حرکت در می‌آمد و هوای باغ را مطبوع و دلپذیر می‌ساخت. بدین ترتیب برای ایجاد محیطی آرام، خنک و پرسایه، چاره‌ای جز احداث جوی‌های آب در تمام باغ نبوده است. معمولاً این جوی‌ها در تقاطع‌ها به حوضچه تبدیل می‌شدند، اما در بستر طبیعی هندوستان به دلیل دارا بودن محیط مطبوع و آب و هوای مناسب، این مفهوم عملکردی حضور آب تبدیل به مفهوم نمادین شده است. بدین ترتیب که آب در محور اصلی حضور ظریف و کم‌حجم داشته و حتی به صورت تزئینی و ظریف با شکلی هندسی و منظم در محورهای فرعی هم به حرکت در آمده است. در حالی که در باغ ایرانی آب تنها در محور اصلی و با شدت زیاد جریان دارد و در مواردی که آب به گوشه‌ها کشیده می‌شود به منظور آبیاری است و به داخل کرت‌ها هدایت می‌شود.

و کم‌حجم آب در تمامی محورهای فرعی نیز هستیم. در تمامی محل‌های تقاطع این مسیرهای آب، حوض‌هایی به شکل مربع با آبی صاف و زلال به همراه یک یا چند فواره در هر کدام وجود دارد که موجب طراوت فضا می‌شود (تصویر ۶). از سویی نحوه آبرسانی در باغ‌های ایرانی از الگویی پیروی می‌کرد که نیاز به اختلاف ارتفاع در زمین داشت. در حالی که این نکته اهمیت پیدا می‌کند که مردم هند از سیستم‌های آبیاری استفاده نمی‌کردند زیرا همواره آب به اندازه کافی در دسترس بوده و لزومی برای استفاده از سیستم آبرسانی حس نکرده‌اند؛ در نتیجه، نیازی به ایجاد اختلاف ارتفاع در زمین‌های پست ناحیه هند نبود.

مقایسه تطبیقی نحوه حضور آب در باغ‌های ایران و هند

آب در ایران باستان پیام‌آور روشنایی و پاکی به شمار رفته و قدر و منزلتی والا داشته است؛ تا جایی که حتی وسعت هر باغ بستگی به حجم و مقدار آب موجود برای آبیاری آن داشت. کم‌آبی کشور ایران نیز بر ارزش آب افزوده و شاید به همین علت بوده است که بیشتر باغ‌های قدیمی آن در مناطق گرم و خشک و فاقد فضاهای سبز ساخته می‌شدند. بدین‌وسیله فضایی مناسب در محدوده‌ای کوچک، برای سکونت و پذیرایی فراهم آورده می‌شد. برخلاف فلات خشک ایران، تپه‌های هندوستان پوشیده از گیاه بوده و جلگه هند منطقه حاصل‌خیزی برای کشاورزی است. به علت ویژگی‌های اقلیمی و کشاورزی دیمی در هندوستان، هندسه باغ‌های ایرانی در هند مستقل از شبکه آبیاری بوده است. در بیشتر این باغ‌ها، آب مورد نیاز خصوصاً برای کاربردهای تزئینی از چاه تأمین می‌شده است. بنابراین این باغ‌ها به صورت آرمانی و نه به شکل ضروری به چهار قسمت تقسیم می‌شده‌اند. در سده‌های گذشته، ایرانیان باغ‌ها را بیشتر در زمین‌های شیب‌دار



تصویر ۸. استفاده از حوض با آب ساکن در محور باغ هندی، باغ مقبره بی بی کا، اورنگ آباد، عکس: آرزو شیردست، ۱۳۹۱.



تصویر ۷. استفاده از آب جاری در محورهای باغ فین، کاشان. عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۸۸.

تصویر ۹. حضور کم حجم آب در جوی های باریک باغ هندی، باغ مقبره همایون، دهلی، عکس: آرزو شیردست، ۱۳۹۱.



بنابراین شاهد حضور ظریف و کم رنگ آب در جوی های باریک و با عرض کم نسبت به پیاده رو یا داخل حوض هایی با تزئینات بسیار زیاد و فواره های کوچک و مینیاتوری هستیم (تصویر ۹ و نک. تصویر ۲). در واقع این نهرها تنها حضوری نمادین و تزئینی به خود گرفته اند؛ تا جایی که تزئینات زیاد در حوض ها همراه با فواره های متعدد آب را تبدیل به عنصری تزئینی کرده و سبب شده در مواردی حوض با تزئینات زیاد و بسیار ظریف به عنوان بستر حضور آب حتی از خود عنصر آب هم مهم تر جلوه کند (تصویر ۱۰).

نکته حائز اهمیت دیگر وجود عنصری وسطه ای میان آب و انسان در باغ هندی است که نشان از یک تفاوت آشکار میان باغ ایرانی و هندی دارد. زیرا تعامل انسان و آب در باغ ایرانی بلاواسطه صورت می گیرد و عنصری در این میان قرار نگرفته است ولی در باغ هندی واسطه ای به نام فضای سبز به وجود آمده که نشان دهنده جنبه دیگر نگاه تزئینی به آب در باغ هندی است. در واقع گیاه به عنوان حاشیه و تزئین علاوه بر تزئینات نهر آب مورد استفاده قرار گرفته و تأییدی دیگر بر نقش تزئینی آب در باغ هندی است.



تصویر ۱۰. تزئینات زیاد بستر حضور آب در باغ‌های هند، باغ‌مقبره بی‌بی‌کا، اورنگ‌آباد. عکس: آرزو شیردست، ۱۳۹۱.

نتیجه‌گیری

آب در باغ ایرانی که از عناصر اصلی است، دست کم از سه جنبه مفهومی، کارکردی و زیباشناختی در باغ حضور دارد. آب تنها به منظور آبیاری و تغذیه گیاهان باغ به کار نرفته است؛ بلکه استفاده مفهومی، شاعرانه و هنرمندانه آن همواره زینت‌بخش فضای باغ بوده و با حضور خود طراوت، نشاط، حرکت و زیبایی می‌آفریند. علاوه بر این، به جهت تقدیس آب در اسلام و ایران، همواره جنبه‌های معنوی آب نیز در باغ ایرانی مد نظر قرار دارد. به عبارتی، هندسه حاکم بر باغ ایرانی و نیز عناصر انسان‌ساخت آن، در برابر تقدس، پاکی و حضور پر قدرت آب سر تعظیم فرو می‌آورند. حال آنکه باغ ایرانی با ورود به سرزمین هند، در روندی خلاقانه، هویتی جدید و شکلی بومی یافته است. در این باغ‌ها، بیشتر جنبه زیباشناختی آب پرورانده شده است. به نحوی که آب در آنها کمتر به لحاظ عملکردی مورد استفاده قرار گرفته و به جنبه‌های معنوی و تقدیس آن نیز پرداخته نشده است. باغ‌های سرزمین هند، با استفاده تزئینی، کم‌رنگ و هندسی از آب، از جلوه‌های طبیعی آن کاسته و به صورت یک عنصر زینتی و هندسه‌مند از آن بهره برده‌اند؛ به طوری که معماری و تزئینات جوی‌ها بیش از خود آب در منظره‌پردازی باغ خودنمایی می‌کند. حضور آب در باغ‌های ایرانی هند، حضوری نمادین، ظریف و تزئین‌گرایانه است که در نهایت بر نظم هندسی و انسان‌ساخت باغ در برابر جلوه‌های طبیعت‌گرایانه آن تأکید می‌کند.

پی‌نوشت

۱. ظهیرالدین محمد بابر (۱۵۳۰-۱۴۸۳ میلادی)، مؤسس سلسله گورکانیان هند بود که آخرین امپراتوری از دوران طلایی اسلامی به شمار می‌آید. نسبش از جانب پدر به واسطه پنج امیر به تیمور و از سوی مادر، به پانزده واسطه به چنگیزخان می‌رسد. وی در سال ۱۵۲۶ میلادی با شکست ابراهیم لودی، امپراتوری بزرگ گورکانیان هند معروف به «امپراتوری مغولی هند» را تأسیس کرد و اعقاب او حدود ۳۵۰ سال بر سراسر یا بخش‌هایی از شبه قاره هند فرمانروایی داشتند. او پنج سال در دهلی حکمرانی کرد تا مرگش فرا رسید. بابر خدمات برجسته‌ای به علم و ادب کرد. وی در مجموعه کاملی از یادداشت‌هایش که به «بابرنامه» معروف است شرح‌حال زندگی خود، فتوحات و رسم جهان‌داری را آورده است (جلالی نائینی، ۱۳۷۵ و دهخدا، ۱۳۷۷).

فهرست منابع

- انصاری، مجتبی و محمودی‌نژاد، هادی. (۱۳۸۶). باغ ایرانی تمثیلی از بهشت. مجله هنرهای زیبا، (۲۹): ۳۹-۴۸.
- جلالی‌نائینی، سید محمدرضا. (۱۳۷۵). هند در یک نگاه. تهران: انتشارات شیرازه.
- جواهریان، فریار و شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۳). باغ دولت‌آباد (بیزد). مجموعه مقالات باغ ایرانی: حکمت کهن. منظر جدید. تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر تهران: ۱۶۹-۱۶۱.
- حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۹). باغ ایرانی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۸). تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عمرانی، محمدعلی و جبهانی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). باغ ارم (شیراز). مجموعه مقالات باغ ایرانی: حکمت کهن. منظر جدید. تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر تهران: ۱۱۵-۹۹.
- کبخ، ابا. (۱۳۷۳). معماری هند در دوره گورکانیان. ترجمه: حسین سلطان‌زاده. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مسعودی، عباس. (۱۳۸۴). باغ‌های ایران و هند. مجله معماری و فرهنگ، ۶ (۲۱): ۱۴۵-۱۴۱.
- مسعودی، عباس. (۱۳۸۹). ریشه‌های باغ ایرانی. مجله منظر، ۲ (۱۲): ۱۵-۱۰.
- منصور، سید امیر. (۱۳۸۴). درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. مجله باغ نظر، ۱ (۳): ۶۳-۵۸.